

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم،

سوره ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

٢. مَلِكِ النَّاسِ

٣. إِلَهِ النَّاسِ

٤. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

٥. الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

٦. مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

مَلِكِ النَّاسِ

به مالک و حاکم مردم

إِلَهِ النَّاسِ

به (خدا و) معبود مردم،

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

از شرّ وسوسه‌گر پنهانکار،

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

که در درون سینه انسانها وسوسه می‌کند،

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

خواه از جن باشد یا از انسان!

داستان سوره ناس

روزی روزگاری در زمانهای بسیار دور جمعیت زیادی از ناس در سرزمین زیبا زندگی میکردن

این مردم خیلی باهم خوب و مهربون بودن پیامبر خوبی داشتن که اونهارو به سمت خدای احد دوعوت میکرد و کارهای خوبی بهشون یاد میداد که نباید پشت سر مردم حرف بدی بزنند
نبايد دروغ بگن

یتیم رو دوست داشته باشن

یه روزی از روزها یه آدمی به اسم خناس وارد شهر میشه خناس دید که مردم این شهر چقد باهم خوبن سعی کرد بره و کارهای بد رو به اونها یاد بده
سعی کرد صدور اونهارو یوسوس کنه ((الذی یوسوس فی صدور ناس))

خناس رفت پیش سعید

سعید پسر خوبی بود و داشت با توپش بازی میکرد خناس بدجنس اومدو گفت :

چقدر خوب داری بازی میکنی !!!

ولی من نمیدونم شوت تو چقدر قویه

اگه بتونی بزنی به اون شیشه و اونو بشکنی میفهمم قوی هستی

بچه ها

یه لحظه سعید حواسش پرت شد و صدورش یوسوس شد

توپ رو پرتاپ کردو شیشرو شکست

ای وای صدای خورد شدن شیشه اومد

سعید به خودش اومد و توپشو برداشت و دوید یه گوشه
قایم شد



خواست خناس رو پیدا کنه ولی اثری از خناس نبود فرار
کرده بود رفته بود پیش مریم
مریم داشت با دوستش بازی میکرد
درگوش مریم گفت چرا عروسکت رو میدی به دوستت؟
خرابش میکنه نده بهش
یهو مریم صدورش یوسوس شد و حرف خناس رو گوش
کرد
عروسک رو از دست دوستش کشید و دوستشم زید زیر
گریه

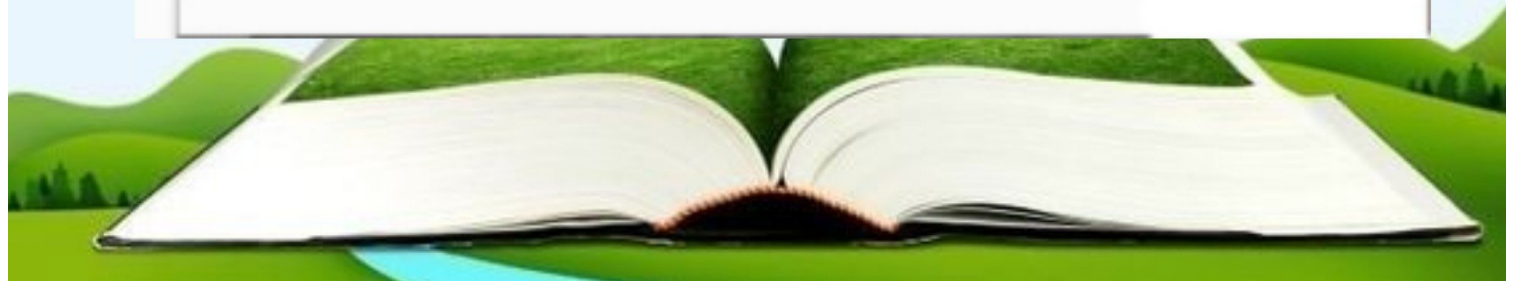
خناس بین همه ی دوستها اختلاف مینداخت
مریم ناراحت بود ازینکه دوستش رو گریه انداخته بود
سعید هم ناراحت بود ازینکه شیشه رو شکسته بود
همینطور که بچه ها ناراحت بودن و کنار خیابون وایساده
بودن

یهو یه مرد مهربون از کنار اونا رد شد و فهمید که خناس
اومده و صدور اونا رو یوسوس کرده
همسایه عصبانی بود و مریمو سعید ناراحت بودنو دوست
مریم گریه میکرد

تو شهر بزرگ آشوب شده بود
مرد مهربون گفت ناراحت نباشین خدای مهربون هم شمارو
میبخشه چون اون خدایی است که ملک همه ی مردمه
ولی خدای مهربون ملکی هست که تاج نداره و اون الیه
ناس و ملک همه ی مردمه

گفته که از شر وسوسه های خناس به اون پناه ببریم و
دیگه حرفای خناس رو گوش نکنیم

من شر وسواس خناس
الذی یوسوس فی صدور الناس
من الجنته و الناس





جلسه‌ی دوم

سوره‌ی ناس



بخش بخش بخوانید.

آموزش لوحه



شَهَادَةٌ

سِدْرَةٌ
بخشش، مهربانی

عِمَارَةٌ

جَنَّةٌ

رَحْمَةٌ

لَيْلَةٌ



۱- لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

۲- وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا

۳- وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

مرا تا زنده ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرده است.

از روی کتاب خود، بخوانید.

فرد خوانی



انس با قرآن در خانه



این عبارت قرآنی را بخوان.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

سوره‌ی طٰحٰث، آیه‌ی ۱۱





۱- وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

۲- كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
نعمت های خدا

۳- وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا
اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید هرگز نتوانید.

۴- وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا

لَمْ يُسْرِفُوا

وَلَمْ يَقْتُرُوا



انس باقرآن در خانه



۱- عبارات قرآنی درس را بخوان.

۲- دو مورد از کارهایی را که اسراف است، نام ببر.





۱. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى

۲. لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

۳. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

۴. أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

مال و فرزند زینت (زیبای های) زندگی (دنیای قبل از مرگ) هستند.

فعالیت: در عبارات قرآنی بالا، زیر کلماتی که دارای حرف «ة» هستند، خط بکش.



انس با قرآن در خانه



۱- عبارات قرآنی این صفحه را یک بار بخوان و عبارت سوم را حفظ کن.

۲- سعی کن پیام قرآنی این درس را حفظ کنی تا بهتر به آن عمل کنی.

